

واگذاری تمام یا قسمتی از امتیاز (منافع عملیات) قرارداد بالادستی

نفت و گاز

(بررسی تطبیقی نظام های حقوقی ایران و بین المللی)

چکیده

در صنعت نفت و گاز بسیاری از کشورها یکی از متداول ترین روش های مورد استفاده برای اکتشاف، حفاری، تولید، بهره برداری یا افزایش ضریب بهره برداری و نیز سرمایه گذاری جزئی، واگذاری تمام یا قسمتی از منافع عملیات قرارداد اصلی به شخص ثالث (که معمولاً شرکت های نفتی متخصص یا سرمایه گذاران خرد داخلی یا خارجی هستند) است. واگذاری منافع در ازای انجام عملیات یا فعالیت های مندرج در قرارداد بالادستی نفت و گاز یا فراهم نمودن سرمایه، در قالب توافقنامه ای میان واگذار کننده (پیمانکار اصلی - مالک منافع) و واگذار شونده (پیمانکار یا سرمایه گذار فرعی) می باشد. این نوع واگذاری گرچه در عموم کشورهای نفت خیز رواج دارد، در ایران علی رغم نیاز مبرم صنعت نفت و گاز به آن جهت تأمین منابع مالی و فناوری مربوطه، به دلیل پیشینه فرهنگی و تاریخی - سیاسی و وجود موانع قانونی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز، مورد اقبال این صنعت نبوده است، در حالیکه روش واگذاری منافع خصوصیات و ویژگی هایی دارد که در مقایسه با سایر روش های مرسوم نقل و انتقالات حقوق و قراردادها مانند برون سپاری، بیع، اجاره، مشارکت، سهام داری یا انتقال قرارداد که ممکن است مطرح باشند، مناسب تر بوده و مقبولیت بیشتری دارد. گرچه بررسی قوانین و الگوی قراردادهای حوزه بالادستی نفت چالش هایی مانند عدم امکان واگذاری بخش بهره برداری به دلیل عدم امکان تملیک معادن نفتی و ذخایر آن ها را به طور سنتی آشکار می سازد، رویکرد قانونگذار در قانون اخیر صنعت نفت (قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱) و همچنین تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیأت وزیران سال ۱۳۹۵ (IPC) و اصلاحیه آن مصوب ۱۴۰۲، پذیرش توافقنامه های واگذاری را با رعایت ملاحظات شفاف و سهل تر نموده است که این نگرش، توسعه و تحولی مثبت ارزیابی می شود. بر این اساس در این مقاله امکان و چگونگی سپردن منافع و فعالیت ها قرارداد بالادستی نفت و گاز به واگذار شونده از طریق موافقتنامه واگذاری مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی

واگذاری منافع عملیات، قرارداد بالادستی نفت و گاز، تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادها، واگذارکننده، واگذارشونده.

Farmout of all or part of the concession (working interests) of an upstream oil and gas contract; (Comparative study of Iranian and international legal systems)

Abstract

In the oil and gas industry of many countries, one of the most common methods used for exploration, drilling, production, exploitation or increasing the exploitation rate, as well as partial investment, is the farmout of all or part of the benefits of the main contract operation to a third party (usually specialized oil companies or domestic or foreign retail investors). The farmout of interests in exchange for performing operations or activities specified in an upstream oil and gas contract, or providing capital, is in the form of an agreement between the farmor (main contractor or owner of interests) and the farmee (sub-contractor or investor). Although this type of farmout is common in most oil-rich countries, in Iran, despite the oil and gas industry's urgent need for it to provide financial resources and related technology, it has not been popular with the industry due to its cultural, historical-political background, and the existence of legal obstacles in the upstream area of the oil and gas industry. While the method of farmout of interests has features that make it more suitable and more acceptable compared to other conventional methods of transferring rights and contracts, such as outsourcing, sale, lease, partnership, shareholding, or assignment of contract that may be considered. However, examining the laws and patterns of upstream oil contracts reveals Traditionally challenges such as impossibility of farmout the exploitation sector due to the prohibition of obtaining the possession of oil fields and their reserves, The legislator's approach in the recent oil industry law (Law on Duties and Authorities of the Ministry of Petroleum, approved in 2012) as well as the decree of General Conditions, Structure and Model of Upstream Oil and Gas Contracts approved by the Council of Ministers in 2016 (IPC) and its amendment approved in 2023, has made the acceptance of farmout agreements clearer and easier by observing certain considerations, and this attitude is considered a positive development and evolution.

Accordingly, this article examines the possibility and manner of farmout the benefits and activities of an upstream oil and gas contract to the farmee through a farmout agreement.

Key words

Farmout of working interests, Oil and gas upstream contract, Decree of general conditions, structure and contracts model, farmor, farmee.

مقدمه

واگذاری تمام یا قسمتی از منافع عملیات مندرج در قرارداد بالادستی نفت و گاز به موجب موافقتنامه ای صورت می گیرد که موافقتنامه واگذاری^۱ منافع نامیده می شود و تمرکز آن بر شرایط و چگونگی واگذاری منافع موجود در قرارداد نفت و گاز بین پیمانکار اصلی یا مالک منافع (واگذارکننده)^۲ و پیمانکار فرعی (واگذارشونده)^۳ است و در کشورهای نفت خیز با دو انگیزه اصلی تأمین منابع مالی و فناوری لازم توسط پیمانکاران منعقد می گردد. این موافقتنامه ابزاری است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به انتقال و رشد فناوری در مرحله اکتشاف و استخراج منابع نفتی کمک شایانی کرده و توسعه بسیاری از میداین نفتی را در کشورهایمانند ایالات متحده، کانادا، انگلستان، هلند، نروژ، غنا^۴ به همراه داشته است. (Idzik, 2022, 830) این تمهید در کنار قرارداد عملیات مشترک^۵، تولید مشترک^۶، اجاره (طویل المدت)^۷ و پشتیبانی^۸ موجبات تحول و پیشرفت را در صنعت نفت فراهم نموده است. واگذاری در ایران به دلیل وجود قوانین محدودکننده حوزه بالادستی و تفاوت مباحث مالکیتی نفت و گاز با دیگر کشورها مورد توجه قرار نگرفته و از ظرفیت همکاری با شرکت های دارای فناوری و مهارت بهره زیادی برده نشده است. (Sattariasmaroud, Shiravi, 2024, P 45)

برخلاف شرایط قانونی و عرفی یا قراردادی گذشته، در خصوص انعقاد موافقتنامه واگذاری در اسناد و قوانین اخیر حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز محدودیت یا مانع اساسی دیده نمی شود. تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیأت وزیران ۱۳۹۵ (IPC)، در بند "ت" ماده ۸ واگذاری پیمان های دست دوم را پیش بینی کرده

1. Farmout Agreement

2. Farmor

3. Farmee

این پیمانکاران ممکن است کوچک باشند یا بزرگ، و ممکن است داخلی باشند یا خارجی، که در این مورد قواعد واگذاری متفاوت بر آن ها حاکم خواهد بود.

4. See e.g., <https://www.investopedia.com/terms/f/farmout.asp>

5. Joint Operating Agreement

6. Co- Production Agreement

7. Lease Agreement

8. Support Agreement

است و در بند "ج" همین ماده با استثنای دو مورد مدیریت مجموعه پیمان^۱ و انجام مطالعات مهندسی مخزن، به طور کلی واگذاری قسمتی از قرارداد پایه به شخص ثالث را مجاز نموده است.^۲ قانونگذار پیش از مصوبه مذکور نیز در سال ۱۳۹۱ گام جدیدی را در راستای توسعه و تکامل نظام قراردادی حاکم بر توسعه میادین هیدروکربوری برداشت و ذیل بند ۳ از بخش "ت" از ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱، مجوز جذب و هدایت سرمایه های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده را اعطاء نمود. (نیک بخت، آری، ۱۳۹۳، ۱) بر این اساس با رعایت موازین این قانون از جمله عدم انتقال مالکیت مخازن نفتی حتی در قراردادهای مشارکت نیز می توان از واگذاری قسمتی از اقدامات موضوع قرارداد بهره برد و از این طریق سرمایه گذاری در صنعت نفت را محقق نمود. واگذاری موضوع قرارداد پایه به شخص ثالث به صورت جزئی یا کلی، سابقاً به گونه ای در قراردادهای بیع متقابل نیز وجود داشت؛ البته برای آن پیش شرط هایی (Pereira, Lewis, 2017, 6) مانند اخذ رضایت وزارت نفت یا شرکت ملی نفت و مسئولیت تضامنی واگذار شونده و واگذارکننده مقرر می شد. (شیروی، ۱۴۰۲، ۴۹۲) بنابراین علی رغم چالش های مالکیتی و قوانین محدود کننده حوزه بالادستی صنعت نفت، وجود مجوز کلی برای واگذاری، استفاده از این مدل قراردادی را امکان پذیر نموده که این موضوع می تواند رشد صنعت نفت را در پی داشته باشد. در شرایط فعلی که ارتباط ایران با شرکت های نفتی بین المللی محدودتر شده است و تأمین منابع مالی پروژه های بزرگ نظیر پروژه های نفتی به سختی انجام می شود، روش واگذاری ابزاری است که نه تنها می تواند مستقیماً نقش انتقال دانش فنی و ریسک و تأمین مالی تمام یا قسمتی از قرارداد پایه را پوشش دهد، بلکه به طور غیر مستقیم هم مانع بروز اختلافات (نیک بخت، اسدالله نژاد رنجبر، مقصول قره باغ، ۱۴۰۳، ۲) و عدم اجرای این قرارداد شده و صنعت نفت و گاز ایران را این رهگذر تقویت نماید. (موحد ۱۳۷۶، ۷)

بر این اساس، در این جستار در دو قسمت ابتدا به بررسی ماهیت حقوقی و احکام واگذاری

1. Management Contracting (MC)

۲. بند (ج) ماده ۸: انجام تمامی اقدامات مندرج در قرارداد به جز مدیریت مجموعه پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن به پیمانکاران و سازندگان صاحب صلاحیت واگذار می گردد. انتخاب این پیمانکاران فرعی یا دست دوم طبق شیوه نامه ای که منضم به قرارداد است، توسط پیمانکار انجام و به ترتیب مقرر در بند (ت) همین ماده به تأیید کارفرما می رسد.

منافع عملیات مندرج در قرارداد بالادستی صنعت نفت و گاز پرداخته و در قسمت دوم تدابیر و چالش های تقنینی و الگوهای قراردادی صنعت نفت ایران نسبت به این قبیل واگذاری ها مورد واکاوی قرار می گیرد. در نهایت به نتیجه گیری از مباحث مطروحه در دو قسمت فوق رسیده که پاسخ به چالش ها را نیز در بر خواهد داشت.

۱. ماهیت و احکام واگذاری منافع عملیات قرارداد در صنعت نفت و گاز

۱.۱. تبیین کلی واگذاری منافع

در ارتباط با یک قرارداد بالادستی نفت و گاز موافقتنامه واگذاری موافقتنامه ای است که در آن واگذارکننده پس از اخذ موافقت مالک اصلی (دولت میزبان) تمام یا بخشی از منافع عملیات قرارداد نفتی یا گازی را در ازای انجام عملیات مندرج در قرارداد اصلی (قرارداد پایه) یا پرداخت هزینه های آن (تأمین منابع مالی) توسط واگذار شونده به مشارالیه واگذار می کند. موافقتنامه واگذاری منافع به عنوان قراردادی که سابقه آن به نظام حقوق عرفی (کامن لا) و به طور خاص نظام حقوقی کشور ایالات متحده آمریکا باز می گردد، (Brister, 2014, 27) قراردادی است که به موجب آن شخص مستاجر عرصه نفت خیز (زمین دارای ذخایر نفتی) مالکیت بخشی از منابع نفتی (منافع) را بدون انتقال مالکیت عرصه یا عین در ازای انجام اموری همچون حفاری، استخراج، بهره برداری و یا تولید به شخص دیگری (واگذار شونده) منتقل می نماید. در نظام حقوقی آمریکا با توجه به پذیرش مالکیت خصوصی افراد نسبت به منابع نفتی، انعقاد موافقتنامه واگذاری به این صورت امکان پذیر بوده (Kendor, 2014, 477) اما در نظام حقوقی ایران با توجه به محدودیت های موجود در قوانین بالادستی، انعقاد چنین قراردادی مستلزم رعایت برخی قواعد آمره قانونی از جمله عدم انتقال مالکیت منابع نفتی موجود در معادن می باشد. موافقتنامه های واگذاری در مراحل اکتشاف، ارزیابی، توسعه و تولید قابل استفاده می باشند. (ابراهیمی، کهن نژاد، ۱۳۹۵، ۱۴) در موافقتنامه های واگذاری اکتشافی، واگذار شونده متعهد می شود حجم مشخصی از فعالیت های لرزه نگاری، عملیات اکتشافی و یا حفر یک یا چند چاه را انجام دهد که به آن حداقل تعهد حفاری یا حفر حداقل چاه مورد نیاز برای دریافت حق الزحمه نیز اطلاق می شود. قابل ذکر است که در قراردادهای نفتی مربوط به اکتشاف که اصولاً ریسک کمتری در عملیات وجود دارد، شرکت های اصلی طرف قرارداد تمایل زیادی به واگذاری حقوق عملیاتی خود به واگذار شونده در میدان تحت پوشش قرارداد، به ویژه به صورت غیرمشروط

در میادینی که تولید در آنها موفقیت آمیز است، ندارند. بر این اساس در اکثر موارد شرکت های طرف قرارداد اصلی، موافقتنامه واگذاری را با حق استرداد منافع منتقل شده منعقد می کنند. (تقی پور، حاجیان، خزایی، کاشانی، تکلیف، ۱۴۰۲، ۸) همچنین در پروژه هایی که موضوع آنها بعد از عملیات اکتشاف تا قبل از مرحله توسعه است، واگذارکننده در خصوص واگذاری مراحل حساس و کلیدی پروژه محتاط عمل می کند. از سوی دیگر واگذارکننده تمایل به واگذاری میادینی را دارد که در حاشیه قرار گرفته و در پی کسب اطلاعات مفید از آنها جهت مکان یابی دقیق نخستین میدان برای توسعه و تولید است. موافقتنامه واگذاری توصیفی یا ارزیابی، زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که شرکای حاضر در عملیات احتمال می دهند در منطقه تحت پوشش قرارداد، نفت و گاز وجود دارد. تعهد کاری واگذارشونده در این نوع قرارداد تعیین اندازه و ابعاد، تجاری بودن یا نبودن نفت و گاز و حفاری یک یا چند چاه توصیفی با ویژگی های زمین شناسی خاص است. (شکوہی، سلیمانی، شیخ نژادمقدم، کاتبی، ۱۳۹۵، ۲۱) در برخی از موارد سازوکاری طراحی می شود که به واگذارشونده این حق را می دهد در صورت مواجهه با شرایط دشوار، عملیات حفاری را ترک کرده و به جای آن چاه به صورت جایگزین چاه دیگری حفر نماید. موافقتنامه های واگذاری ارزیابی و امکان سنجی غالباً نسبت به موافقتنامه های واگذاری در مرحله اکتشاف پیچیدگی های بیشتری دارند و بر تعداد چاه های بیشتری تمرکز می کنند. موافقتنامه های واگذاری توسعه ای شامل تمامی اقدامات مورد نیاز برای بهره برداری از یک مخزن و تولید نفت یا گاز است. در این حالت، زمانی که مشخص شود اکتشاف در ابعاد تجاری یا اقتصادی تحقق یافته است، دارنده اصلی حقوق عملیاتی به طور معمول به دنبال دیگر روش های تأمین مالی توسعه ای است که مستلزم واگذاری منفعت در مرحله تولید نمی باشد. با این حال در طول مدت زمان تولید یا بهره برداری از میدان ممکن است موافقتنامه های واگذاری به ویژه با شرکت های کوچک تری که علاقه مند به شرکت در پروژه هایی هستند که با کاهش تولید مواجه شده اند، منعقد گردد.

۱.۲. مقایسه واگذاری با برخی از روش های مشابه

موافقتنامه واگذاری یکی از چند روش مورد استفاده جهت بهره مندی از حضور اشخاص ثالث در یک قرارداد نفتی می باشد. زمانی می توان موافقتنامه ای را واگذاری نامید که از طریق آن شخصی به نام واگذارشونده در ازای اجرای عملیات مشخص از قرارداد اصلی مانند عملیات اکتشاف، حفاری، استخراج و یا توسعه منطقه قراردادی یا تقبل هزینه (تأمین منابع مالی) منافی

داشته باشد. هدف واگذارشونده از انعقاد چنین قراردادی آن است که در کنار صاحب امتیاز (صاحب مجوز یا پیمانکار اصلی)، در یک قرارداد نفتی حضور داشته و با پذیرش ریسک و تعهدات، در منافع حاصله از قرارداد سهم داشته باشد. بدون در نظر گرفتن این ویژگی چنین قراردادی یک قرارداد فروش منفعت و نه موافقتنامه واگذاری می باشد. (علیجانی، جنیدی، ۱۳۹۹، ۱۰۳) بدیهی است که روش های قراردادی دیگر متفاوت از موافقتنامه واگذاری هستند، اما به اشتباه به نام واگذاری استفاده می شوند. برای مثال، موافقتنامه واگذاری با قرارداد برون سپاری^۱ که به موجب آن یک فعالیت (پروژه) در ارتباط با نفت یا گاز به متخصصی خارج از موسسه سپرده می شود تا در مدتی معین در ازای دریافت حق الزحمه، آن را انجام دهد، تفاوت اساسی دارد. برون سپاری در ایران یک قرارداد پیمانکاری و تحت ماده ۱۰ قانون مدنی است که به موجب آن یک طرف قرارداد کلیه فعالیت ها، منابع و اتخاذ تصمیمات را بدون هرگونه انتقال مالکیت اعم از عین یا منافع، در قبال پرداخت دستمزد به طرف دیگر قرارداد می سپارد. بنابراین، در نظام حقوقی ایران قرارداد برون سپاری اصولاً با محدودیت قواعد قانونی مربوط به فعالیت های بالادستی نفت و گاز مواجه نمی باشد. (خداوردی، زهره بجنوردی، ۱۳۸۹، ۳)

موافقتنامه واگذاری غالباً با قراردادهای عملیات مشترک، خرید و فروش منافع، پشتیبانی و نقل و انتقال سهام خلط می شود؛ در حالی که در یک تعریف کلاسیک، همان طور که گفته شد، موافقتنامه واگذاری موافقتنامه ای در حوزه نفت و گاز است که در آن طرف صاحب امتیاز یا منافع در قرارداد اصلی (واگذارکننده)، تمام یا بخشی از این امتیازات یا منافع را در مقابل انجام قسمتی یا تمام عملیات های مذکور به طرف دیگر (واگذارشونده) واگذار می کند. (Derrick, 2009, P 254) البته باید توجه داشت که امروزه این تعریف از موافقتنامه واگذاری جامع نبوده و موافقتنامه واگذاری در بخش های دیگر حوزه بالادستی مثل صیانت از مخزن و افزایش ضریب بهره برداری نیز رواج یافته است. از سوی دیگر موافقتنامه واگذاری مدل های متفاوتی دارد که با توجه به انگیزه طرفین متغیر است. برای مثال زمان واگذاری امتیاز یا منافع می تواند بعد از انعقاد قرارداد یا بعد از انجام اقدامات توسط واگذارشونده تعیین شود که به مورد اخیر تحصیل منافع گفته می شود. شناخت و بررسی ماهیت و آثار مدل های متفاوت موافقتنامه واگذاری می تواند راهکارهای متفاوتی را برای رشد صنعت نفت و گاز کشورها مهیا کند. (درخشان، ۱۳۹۳، ۹)

1. Outsourcing Agreement

لازم به ذکر است که موافقتنامه واگذاری با مفهوم انتقال قرارداد^۱ نیز تفاوت دارد زیرا در انتقال قرارداد شخص انتقال دهنده کلیه حقوق و تعهدات قراردادی خود را به انتقال گیرنده منتقل نموده و از رابطه قراردادی منتفی شده خارج می شود؛ در حالی که در کشور ما براساس ماده ۲۴ شرایط عمومی پیمان که از سوی سازمان برنامه و بودجه تنظیم شده است و بر پیمان های دولتی از جمله موافقتنامه های واگذاری صنعت نفت حاکم است^۲، واگذارکننده قسمت هایی از منافع و یا عملیات قراردادی خود با کارفرمای اصلی را به واگذارشونده واگذار می نماید و موافقتنامه واگذاری برخلاف انتقال قرارداد، هرگز سلب مسئولیت واگذارکننده را در پی نداشته و واگذارکننده و واگذارشونده هر دو دارای مسئولیت می باشند. (مقدم، ۱۳۸۶، ۴-۲) قابل توجه است که در تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیأت وزیران ۱۳۹۵ (IPC)، این تفاوت مورد توجه قرار گرفته و در حالی که در ماده ۸ احکامی را در مورد واگذاری بیان می کند، در بند "ت" ماده ۶ به چگونگی انتقال حقوق و تعهدات می پردازد.^۳

۱.۳. ماهیت واگذاری منافع قرارداد در نظام حقوقی ایران

ماهیت موافقتنامه واگذاری با توجه به طرفین آن متفاوت است. این قرارداد نسبت به واگذارکننده و واگذارشونده یک قرارداد خدماتی و تملیکی بوده که طبق ماده ۱۰ قانون مدنی و عرف صنعت،

1. Assignment of contract

۲. شرایط عمومی پیمان مورخ ۱۳۷۸/۰۳/۰۳ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

ماده ۲۴ - واگذاری، پیمانکاران جزء

الف) پیمانکار حق واگذاری پیمان به دیگری را ندارد.

ب) پیمانکار می تواند به منظور تسهیل و تسریع در اجرای قسمت یا قسمت هایی از عملیات موضوع پیمان، پیمان ای با پیمانکاران جزء ببندد، مشروط به آنکه آنان را از واگذاری کار به دیگران ممنوع کند. در صورتی که در اسناد و مدارک پیمان، کارفرما، لزوم تایید صلاحیت پیمانکاران جزء را پیش بینی کرده باشد، پیمانکار موظف است که تأیید کارفرما را در این مورد تحصیل نماید. این واگذاری نباید از پیشرفت کار طبق برنامه زمانی اجرای کار بکاهد، و به هر حال به هیچ روی از مسئولیت و تعهدات پیمانکار نمی کاهد. پیمانکار مسئول تمام عملیاتی است که توسط پیمانکاران جزء یا کارکنان آنها انجام می شود. در پیمان های بین پیمانکار و پیمانکار جزء باید نوشته شود که در صورت بروز اختلاف بین آنها، کارفرما حق دارد، در صورتی که مقتضی بداند، به مورد اختلاف رسیدگی کند. پیمانکار و پیمانکار جز نیز می پذیرند که نظر کارفرما در این مورد قطعی است و تعهد می کنند که الزاماً آن را اجراء نمایند.

۳. ماده ۶ بند (ت): در طرف دوم قرارداد، هیچ یک از اشخاص طرف قرارداد مجاز به واگذاری (Assignment) تمام یا بخشی از سهم/ سهام (انتقال حقوق و تعهدات) خود در قرارداد به اشخاص دیگر، بدون موافقت شرکت ملی نفت ایران نخواهند بود.

پیمانکاری محسوب می شود. هر چند که در پیمانکاری به صورت عام حق الزحمه خدمت پرداخت می شود اما در موافقتنامه واگذاری ممکن است درصدی از منافع حاصله به واگذارشونده تخصیص یابد و به اصطلاح به تملیک وی درآید. (حداد، حسین زاده، ۱۳۹۵، ۲۱۶) از سوی دیگر موافقتنامه واگذاری نسبت به واگذارکننده و کارفرما (مالک اصلی) به نوعی انجام اقدامات موضوع قرارداد توسط شخص ثالث است؛ بدین صورت که واگذارکننده تعهد خود در قرارداد با کارفرما را از طریق شخص ثالث (واگذارشونده) ایفاء می نماید. بنابراین ویژگی که موافقتنامه واگذاری را از سایر قراردادها متمایز می نماید، برخورداری از ماهیت توأمان خدماتی و تملیکی است.^۱ از آنجایی که در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران انتقال مالکیت ذخایر نفتی امکان پذیر نبوده و مالکیت این ذخایر منحصراً برای دولت است، موافقتنامه های واگذاری در بخش بالادستی نفت می بایست بدون انتقال مالکیت، در محدوده حقوق و منافع حفاری یا بهره برداری، و صرفاً در قالب قرارداد پیمانکاری دست دوم (خدماتی محض)^۲ منعقد شوند. در غیر این صورت با چالش های قواعد آمره قانونی در این بخش مواجه خواهند بود. از منظر قواعد عمومی قراردادها و قانون مدنی، عمل واگذاری با اندکی مسامحه مشابه نهاد اجرای وکالت از طریق توکیل به غیر است. اختیاری که واگذارشونده در موافقتنامه واگذاری داشته به واسطه اختیار پیمانکار اصلی یا دست اول (واگذارکننده) و به نیابت از طرف وی است. قانون مدنی در عقد وکالت تأکید می کند وکیل در امری نمی تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۸۳) این نگاه قانونگذار در عقد وکالت به عنوان یک عقد اذنی و جایز به طریق اولی در موافقتنامه واگذاری که عقدی لازم است، حجیت داشته و علاوه بر آثار نظری آثار عملی فراوانی نیز دارد. طرفین موافقتنامه واگذاری با انعقاد این موافقتنامه، منافع عملیات یا امتیاز مندرج در قرارداد اصلی نفت و گاز را واگذار می کنند لذا اگر محدودیتی در قرارداد اصلی وجود دارد، در موافقتنامه واگذاری نیز جاری خواهد بود. از آنجایی که قراردادهای نفتی با شرکت های فعال در صنعت نفت و گاز به اعتبار سابقه، دانش، سطح تخصص، صلاحیت فنی، مدیریت و توانایی تأمین مالی آن ها منعقد می گردد، این نوع از قراردادها قائم به شخص بوده و عدم رضایت کارفرمای اصلی

۱. همانطور که گفته شد این قرارداد در اصل در ازای تخصیص منافع عملیات به واگذار شونده منعقد می گردید که به دلیل نظام مالکیت خصوصی منابع در ایالات متحده آمریکا برخلاف ایران چالشی برای آن متصور نبود.

2. Pure Service Contracts

در واگذاری منافع یا عملیات به شرکت دیگر (واگذارشونده) فرض می شود. لذا بر این اساس در قراردادهای نفتی اصل بر عدم امکان واگذاری بدون رضایت کارفرمای اصلی است. این اصل تنها در یک مورد استثناء می پذیرد که آن هم واگذاری قرارداد به شرکت های وابسته یا زیر مجموعه پیمانکار است که به دلیل مسئولیت شرکت اصلی و شرکت تابعه، نیازی به اخذ رضایت کارفرما وجود ندارد. برای مثال در جزء ۳ ماده ۳۱ قرارداد پیمانکاری، اکتشاف و تولید نفت بین شرکت ملی نفت ایران و کشورهای اروپایی مقرر گردیده است "هر یک از اعضای طرف دوم در هر زمان که مقتضی بداند، تمام یا قسمتی از تعهدات، مزایا و منافع خود را که به موجب این قرارداد مقرر است به شرکت های زیر واگذار نماید:

(۱) شرکت هایی که تحت کنترل و مالکیت شرکت واگذارکننده هستند.

(۲) شرکت هایی که واگذارکننده تحت کنترل و مالکیت آن ها است و

(۳) شرکت یا شرکت هایی که تحت کنترل و مالکیت شرکت های مذکور در بند ۱ و ۲ هستند. چنین واگذاری، واگذارکننده را به هیچ وجه من الوجوه معاف و مبری از مسئولیت نمی کند." (شیروی، ۴۹۳-۴۹۲)

با توجه به موارد فوق الذکر، واگذاری در عملیات بالادستی صنعت نفت نه تنها الزامات خاص خود را دارد بلکه از نظر قواعد عمومی نیز مستلزم رضایت صریح کارفرمای اصلی است. (همان، ۴۹۳-۴۹۲) در صورت واگذاری عملیات بدون رضایت کارفرمای اصلی با توجه به اصل لزوم قراردادها، اولاً موافقتنامه واگذاری باطل نشده و ثانیاً واگذارشونده و واگذارکننده هر دو در برابر کارفرما مسئولیت دارند. (امانی، ۱۳۹۳، ۶۳) بر این اساس است که در قراردادهای بیع متقابل نفتی مقرر شده است که واگذاری مشروط به دو شرط مجاز خواهد بود؛ اول آنکه رضایت کارفرمای اصلی مبنی بر واگذاری کسب شود و دوم آنکه واگذارشونده و واگذارکننده در برابر کارفرمای اصلی مسئولیت تضامنی داشته باشند. علاوه بر این شرکت ملی نفت ایران شرط نموده است که حتی در صورتی که رضایت کارفرما (خودش) نیز به واگذاری الحاق شده باشد، واگذارکننده و واگذارشونده مسئولیت تضامنی خواهند داشت. این شرط با توجه به حساسیت این عملیات و قائم به شخص بودن آن، منطقی و متعارف به نظر می رسد بخصوص این که شرکت هایی همچون شل و توتال در دهه ۸۰ شمسی آن را پذیرفته اند. همانطور که قبلاً بیان گردید، تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیات وزیران ۱۳۹۵ (IPC)، در بند "ت" و "ج" ماده ۸، واگذاری پیمان های دست دوم و انتخاب پیمانکاران فرعی

یا دست دوم را پیش بینی کرده است و در این زمینه تأیید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران و یا کارفرما را ضروری دانسته است. البته باید توجه داشت که با توجه به ممنوعیت واگذاری عملیات بهره برداری و یا انعقاد موافقتنامه واگذاری در ازای تملیک منافع به پیمانکار دست دوم، موافقتنامه های واگذاری دربردارنده تملیک منافع به پیمانکار دست دوم، با عدم اعتبار و بطلان مواجه خواهند بود.

۲. واگذاری قسمتی از امتیاز (منافع عملیات) قرارداد نفت و گاز در قوانین و الگوهای قراردادی صنعت نفت و گاز ایران؛ تدابیر و چالش ها

۲.۱. تدابیر

موافقتنامه واگذاری در صنعت نفت و گاز ایران نخستین بار در قانون نفت سال ۱۳۳۶ پیش بینی شد که طی آن چگونگی واگذاری قراردادهای نفتی البته به پیمانکاران اصلی بیان گردید. بعد از آن، گرچه قانون نفت سال ۱۳۶۶ جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت ایران را با محدودیت عمده مواجه می نماید، (نیک بخت، آری، ۹) سیاست اتخاذی در چارچوب این قانون به مرور زمان در قوانین دیگر از جمله قوانین بودجه و قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تعدیل قرار گرفت. الگوی قراردادی که از قوانین مذکور استخراج و به تدریج توسعه یافت، چیزی نبود جز روش بیع متقابل که با گذشت زمان به عنوان یگانه الگوی قراردادی قابل اعمال در صنعت نفت ایران جای گرفت. (همان، ۳)

علاوه بر آن، اصل ۴۴ قانون اساسی را باید مورد توجه قرارداد. براساس ماده ۲ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فعالیت های اقتصادی به سه گروه تقسیم شده اند. از ملاحظه مواد این قانون، به خصوص مواد ۲، ۳ و ۴ می توان استنباط نمود اصل بر عدم مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی است به گونه ای که در فعالیت های گروه یک، دولت مطلقاً حق دخالت و حضور ندارد. در فعالیت های گروه دو، دولت حداکثر تا ۲۰ درصد می تواند در شرکت هایی که مشغول انجام فعالیت های مشمول این گروه هستند، سهم داشته باشد. سرانجام آن که سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت ها و بنگاه های گروه سه در انحصار دولت باقی می ماند. فعالیت ها و بنگاه های اخیر عبارتند از شرکت ملی نفت ایران، شرکت های استخراج، تولید و بهره برداری نفت خام و گاز و معادن نفت و گاز. لذا براساس این قانون، سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت دولت بر شرکت ملی نفت ایران و شرکت های فعال در

زمینه استخراج و تولید نفت و گاز و نیز معادن نفت و گاز همچنان برقرار خواهد ماند. باید توجه داشت که در تبصره ۱ بند (ج) ماده ۳ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خرید خدمات مالی، فنی، مهندسی و مدیریتی از بنگاه های بخش های غیردولتی در فعالیت های گروه سه به شرط حفظ مالکیت صد درصد دولت طبق آیین نامه پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی که به تصویب هیأت وزیران رسیده است، مجاز دانسته شده است. (نیک بخت، موسوی، ۱۳۹۶، ۱۶) از سوی دیگر الگوی قراردادهای نفتی با توسعه و تحول همراه بوده که تشویق و حمایت از جذب و هدایت سرمایه های داخلی و خارجی به منظور توسعه میدان های هیدروکربوری کشور با درجات مختلف خطرپذیری یکی از اهداف آن است. (همان، ۵)

براساس موارد فوق الذکر می توان گفت که امکان واگذاری منافع و عملیات مندرج در قراردادهای نفت و گاز فراهم است مشروط بر آن که در موافقتنامه های واگذاری پیش بینی شود بدون انتقال مالکیت ذخایر نفت و گاز موجود در معادن به واگذار شونده، بازپرداخت هزینه ها و پرداخت دستمزد واگذار شونده از طریق تخصیص نفت و یا گاز انجام خواهد شد و مالکیت نفت و گاز صرفاً در نقطه تحویل و براساس قرارداد فروش ضمیمه موافقتنامه واگذاری به واگذار شونده منتقل می شود. (نیک بخت، باقری، قربانی، ۱۳۹۷، ۱۱)

مطابق آخرین رویکرد در تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ (IPC) و اصلاحیه آن در سال ۱۴۰۲، به جز مدیریت مجموعه پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن که به دلیل اهمیت و حساسیت بالا الزاماً می بایست توسط شرکت نفتی تراز اولی که به عنوان پیمانکار اصلی طرف قرارداد با شرکت ملی نفت ایران است، صورت گیرد؛ انجام سایر اقدامات مندرج در قرارداد نفتی می تواند از طریق واگذاری به شرکت صاحب صلاحیت داخلی یا خارجی (واگذار شونده) واگذار گردد. انتخاب واگذار شونده با رعایت قوانین و مقررات ایران به ویژه قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۱ و طبق شیوه نامه ای که منضم به قرارداد خواهد بود، توسط پیمانکار اصلی انجام و به تصویب کمیته مشترک مدیریت می رسد.

(نیک بخت، موسوی، ۱۳۹۴، ۲۷)

۲,۲. چالش ها

۲,۲,۱. شرایط پیش نیاز انعقاد موافقتنامه واگذاری

در اغلب موافقتنامه های واگذاری به روشنی بیان می شود که واگذاری فعالیت قراردادی و منافع مشارکتی مشروط به رعایت شرایط مقدماتی^۱ است که طبق آن مراحل مربوطه قبلاً باید به صورت کامل و با موفقیت طی شود. به عبارت دیگر موافقتنامه واگذاری معتبر و مجری نخواهد شد مگر شرایط خاصی محقق شود. در این راستا در غالب موارد همراه با موافقتنامه واگذاری سندی به صورت پیوست به موافقتنامه واگذاری ضمیمه شده و مشخص می نماید که زمانی موافقتنامه واگذاری نافذ و قابل اجراء خواهد بود که مراحل مقدماتی مندرج در آن سند تحقق یافته باشد. به دلیل اهمیت و تأکید فراوان در کاربردی بودن این شرایط مقدماتی، مدل واگذاری انجمن بین المللی مذاکره کنندگان نفتی^۲ و همچنین سایر مدل های واگذاری، وقتی انتظار معقول^۳ از انجام تعهدات را در قراردادهای خویش تعریف می کنند که اقدامات موافقتنامه واگذاری آغاز شده و تا تاریخ تصویب یا رد شرایط مقدماتی از جانب دولت میزبان ادامه یابد. در طول این دوره واگذار شونده شرایط مقرر شده در یک قرارداد نفتی اصلی و عملیاتی مشترک را قبول کرده و تا زمانی که در منافع موافقتنامه واگذاری مشارکت دارد، ملزم به رعایت شرایط مقدماتی است. (Duval, 2011, P 45) برخی مراحل یا شرایط مقدماتی که معمولاً باید پیش از انجام واگذاری رعایت شود؛ عبارتست از:

۱) اخذ موافقت دولت میزبان به همان کیفیتی که مدنظر قرارداد اصلی است.
۲) اسقاط هرگونه حقوق ترجیحی سایر اعضای حاضر در قرارداد نسبت به دولت میزبان با هدف جلوگیری از کسب منافع واگذار شده. با وجود این، برخی از قوانین و مقررات نفتی دولت میزبان مقرر می دارند که شرکت ملی نفت آن کشور حق خرید هرگونه منفعتی که پیشنهاد واگذاری آن داده شده را دارد.

در صورتی که شرایط مقدماتی در تاریخی که در موافقتنامه واگذاری تصریح شده محقق نگردد، علاوه بر اینکه هر یک از طرفین حق فسخ قرارداد را دارند؛ واگذار شونده نیز نمی تواند هیچ

1. Precedent Conditions

2. The Association of International Petroleum Negotiators (AIPN) is an Independent not-for-profit Professional Membership Association that Supports International Energy Negotiators around the World and enhances their Effectiveness and Professionalism in the International Energy Community. Available at: <https://www.aipn.org>

3. Reasonable Expectation

گونه منفعتی را چه از طریق سند واگذاری و چه در خلال اجرای قرارداد اصلی انتظار داشته باشد. اگر قرارداد فسخ شود، واگذارکننده ملزم می شود که طبق شرایط موجود تمامی هزینه های پرداخت شده توسط واگذارشونده را بازپرداخت کند. (Eduardo, Madeleine, 2017, 282)

طرفین ممکن است در قرارداد مقرر کنند که اگر دولت میزبان در آینده شرایط محدودکننده و سخت تری را بر طرفین تحمیل کرد، حق فسخ قرارداد را خواهند داشت.^۱ دولت های میزبان معمولاً در قراردادهای خود پیش بینی می کنند که واگذاری هیچ فعالیت یا منفعتی بدون اخذ موافقت دولت میزبان یا شرکت های نفتی مورد نظر آنها معتبر نخواهد بود.

دولت های میزبان در واگذاری اکتشاف، ارزیابی، توصیف و بهره برداری منابع نفتی خود به نحو ویژه و تاثیرگذاری به شهرت، امکانات و توانایی شرکت های نفتی بین المللی توجه داشته و آن مهارت ها و ویژگی ها را جهت تأیید یا رد شرکت های نفتی بین المللی به عنوان واگذارشونده ملاک پذیرش قرار می دهند. به علاوه دولت های میزبان از این ایده که فعالیت یا حقوق اعطاء شده نفتی و گازی باید انحصاری باشند، استقبال نمی کنند و انتظار دارند در مواردی که یک قرارداد نفتی اصلی منعقد می کنند، نظارت بسیاری بر آن داشته باشند بدون اینکه سهمی برای واسطه ها که به دنبال کسب منفعت از طریق فروش یا واگذاری منافع با استفاده از قراردادهایی نظیر واگذاری هستند، در نظر گیرند. (ابراهیمی، قاسمی، ۱۳۹۸، ۴۷)

بر این اساس احتمال بروز اختلافاتی میان دولت میزبان و شرکت نفتی بین المللی به دلیل وابستگی توانایی شرکت های حاضر در پروژه به واگذاری بخشی از فعالیت یا منافع خویش به شرکت های دیگر وجود دارد.

واگذاری فعالیت و منافع قرارداد اصلی نفت و گاز در زمان انعقاد قرارداد اصلی یا در هر مرحله ای از اجرای آن امکان پذیر است اما انتخاب زمان آن به قانون کشور میزبان یا اراده کارفرمای اصلی نسبت به موضوع واگذاری بستگی دارد. برای مثال فرم استاندارد قرارداد عملیاتی مشترک نروژ مقرر کرده است؛ "طرف قرارداد تا زمانی که برنامه کاری الزام آور داشته و حداقل تعهدات کاری را به اتمام نرسانیده، حق واگذاری نخواهد داشت." کشور نروژ جهت کاهش جنبه انحصاری واگذاری، طرفی را که متمایل به واگذاری کلی یا جزئی سهم خود از قرارداد است،

۱. این توافق شرط ثبات در قراردادهای نفتی گفته می شود که به دلیل طولانی مدت بودن اکثر قراردادهای صنعت نفت، شرطی معمول و مورد استفاده برای طرفین قراردادهای نفتی است، مخصوصاً زمانی که وضعیت دولت از نظر سیاسی دارای ثبات نباشد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: محبی، محسن، مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین المللی: سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی، چاپ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶.

ملزم می کند که در وهله اول شرایط و اوضاع و احوال را به وزیر ذی صلاح اطلاع دهد و سپس دولت نروژ چهل روز برای خرید و کسب منافع پیشنهاد شده زمان دارد. در قراردادهای عملیاتی مشترکی که اخیراً در کشور نروژ منعقد شده، این حق انحصاری دولت حذف شده است. (احمد نژاد، زین العابدین، افشار، ۱۳۹۷، ۳۷) طرفین موافقتنامه واگذاری می توانند بر سر موضوعات مقدماتی دیگری مانند انجام ارزیابی زیست محیطی در منطقه قراردادی یا مذاکره بر سر انعقاد قرارداد عملیاتی مشترک دوجانبه که ممکن است در نتیجه آن واگذارشونده جدیدی به عنوان طرف قرارداد اضافه شود نیز توافق کنند. واگذارکننده و واگذارشونده معمولاً موافقت می کنند که به صورت معقول از تمام امکانات تجاری خود جهت رعایت شرایط مقدماتی مرتبط با موافقتنامه واگذاری بهره گیرند و هیچ یک از مقررات و دستورالعمل های موجود در قرارداد اصلی یا متعاقب آن در واگذاری را نقض نکنند. (شیروی، ۶۱۵)

موافقتنامه های واگذاری اغلب حاوی شروطی هستند که دربرگیرنده دستورالعمل ها و مقررات مختلف است. تعهدات مالیاتی، حفظ محرمانگی اطلاعات، قوه قاهره، قانون حاکم، شرط حل و فصل اختلاف نمونه هایی از این شروط هستند. این شروط غالباً به عنوان شروط مرجع و استاندارد جهت جلوگیری از بروز اختلاف یا تفسیرهای مختلف از حقوق و تعهدات طرفین گنجانده می شوند. ویژگی مهم مدل موافقتنامه واگذاری انجمن بین المللی مذاکره کنندگان نفتی آن است که شروط مذکور به صورت مشابه در مدل قرارداد عملیاتی مشترک^۱ انجمن مذکور نیز درج شده است.^۲

۲.۲.۲. قواعد و مقررات قانونی و الگوهای قراردادی

در نظام حقوقی ایران فعالیت های قراردادی حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز در برابر فعالیت های حوزه های پایین دستی و میان دستی، نظامات و احکام سختگیرانه تری داشته و از منظر فرهنگی - سیاسی نیز حساس ترین فعالیت های صنعت نفت و گاز، فعالیت های حوزه بالادستی محسوب می شود. در طول زمان نیز سخت گیری ها یا محدودیت های قانونی یا قراردادی در

1. Joint Operating Contracts

۲. رای دستیابی به اطلاعات بیشتر در خصوص این انجمن و اسناد مشهوری که در این مرکز تهیه شده است به آدرس زیر

<https://www.aipn.org/about-aipn> مراجعه نمایید:

این حوزه با حساسیت اعمال می شده است.^۱ این چالش ها به انعقاد موافقتنامه واگذاری در این صنعت نیز نفوذ داشته و در خصوص این قرارداد نیز توجه به این موارد ضروری می باشد. پس از حدود دو دهه استفاده شرکت های نفتی از امتیازات قانون نفت ۱۳۳۶، در قانون نفت ۱۳۵۳ عملیات بهره برداری از شمول قراردادهای صنعت نفت ایران خارج شد^۲ و به طور خاص در خصوص واگذاری عملیات نفتی به شرکت های خصوصی و خارجی منع قانونی به وجود آمد.^۳ این مورد را می توان اولین چالش موافقتنامه های واگذاری در صنعت نفت و گاز ایران دانست چرا که واگذاری در معنای عام خود شامل مرحله بهره برداری نیز می شود که در بسیاری از موارد نیز ریسک و هزینه مرحله بهره برداری به مراتب بیشتر از مرحله اکتشاف و استخراج است. در همین راستا قانون نفت ۱۳۶۶ نیز با ممنوعیت جذب سرمایه گذاری خارجی، صنعت نفت ایران را با یک چالش بزرگتر مواجه ساخت. (نیک بخت، آرین، ۹) در آخرین اقدام، به موجب ماده ۳ تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵ (IPC) و اصلاحیه آن در سال ۱۴۰۲، مالکیت عمومی مخازن و مدیریت دولتی آنها توسط دولت مورد تأکید واقع شد که این امر انعقاد موافقتنامه واگذاری را چه در مرحله اکتشاف و استخراج و چه در مرحله بهره برداری با الزامات و چالش های خاصی مواجه می سازد که نتیجه آن محرومیت ایران از مزایای موافقتنامه واگذاری است.

در یک بیان کلی می توان قواعد آمره قانونی و نظم عمومی کشور را محدودیت و چالش کلی در انعقاد قراردادهای نفت و گاز از جمله موافقتنامه واگذاری در ایران محسوب نمود. قواعد آمره نظام حقوقی یک کشور، مقررات قانونی هستند که مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه آن کشور بوده و با توافق اشخاص نمی توان از رعایت یا اعمال آن ها عدول نمود. در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز ایران نیز چنین قواعد غیر قابل عدولی که ریشه در تاریخ، فرهنگ و سیاست ایران در طول سال های متمادی بخصوص از مشروطه تا زمان حاضر و یا به عبارت

۱. برای دیدن تحلیل حقوقی چالش های عمده و اساسی صنعت نفت و گاز ایران رک: ابراهیمی، سیدنصرالله، چالش های قانونی استفاده از قرارداد مشارکت در تولید در صنعت نفت و گاز ایران، فصلنامه علمی راهبرد، س ۲۵ ش ۷۹، صص ۱۵۶-۱۳۷.

۲. بند ۱ و ۲ ماده ۱۴ قانون مزبور بیان می داشت: با آغاز تولید تجاری هر میدان قرارداد پیمانکاری خاتمه می یابد. راسا عملیات تولید بر عهده شرکت ملی نفت ایران است.

۳. رک: موسوی، سید حسن، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، با تأکید بر الگوی قراردادی جدید IPC، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.

دیگر از امتیاز نفت داری تا مدل های جدید قراردادهای نفتی دارند، وجود داشته و با هیچ مجوز و توافقی قابل عدول نمی باشند. (شیروی، ۱۶۴-۱۳۷) بنابراین، طرفین قراردادهای نفت و گاز لزوماً باید این مقررات قانونی را رعایت کنند و به هیچ صورت خلاف آن ها نمی توانند توافق نمایند. این مورد از جمله محدودیت ها یا چالش های حوزه قراردادهای نفت و گاز محسوب می شود.

با توجه به مطالب پیش گفته در خصوص موانع و چالش های قراردادهای حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز، انعقاد موافقتنامه واگذاری در این حوزه نیز با همان حساسیت ها و چالش ها مواجه می باشد. به طور خاص، از جمله موارد حائز اهمیت در خصوص واگذاری و انعقاد و اجرای قرارداد آن، قواعد آمره و ممنوعیت های حوزه بالادستی صنعت نفت همچون چالش مربوط به انتقال مالکیت ذخایر نفتی موجود در زمین و استثنای مواردی چون مدیریت پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن می باشد. (ابراهیمی، عینی، ۱۳۹۷، ۳۳)

رعایت مواردی مانند قواعد قانونی فوق الذکر برای طرفین به خصوص طرف های ایرانی قرارداد نفت و گاز و موافقتنامه واگذاری لازم الرعایه بوده و خلاف آن تخلف محسوب شده و قرارداد را با بحران مشروعیت و اعتبار مواجه خواهد کرد. از جهت قانون حاکم بر موافقتنامه واگذاری نیز، اصولاً وفق قوانین و تصویبنامه مربوطه و همچنین براساس ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران^۱ با انعقاد موافقتنامه واگذاری با بیگانگان در قلمرو ایران، قانون حاکم بر این قرارداد، قانون ایران بوده و در این صورت محدودیت های مذکور برقرار می باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۵۸۳)

نتیجه گیری

واگذاری تمام یا قسمتی از امتیاز (منافع عملیات) قرارداد بالادستی نفت و گاز به شخص ثالث در مقایسه با سایر قراردادهای این حوزه ویژگی های خاص خود را دارد. از نظر ماهیت، موافقتنامه واگذاری قراردادی بوده که در آن سه طرف نقش دارند. واگذارکننده و واگذارشونده طرفین موافقتنامه واگذاری بوده که موافقت می کنند، در صورت توافق کارفرمای قرارداد اصلی که با واگذارکننده قرارداد نفت یا گاز منعقد نموده است، منفعی از قرارداد اصلی نفت یا گاز در

۱. ماده ۹۶۸ قانون مدنی: تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: نیک بخت، حمید رضا، ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین المللی ایران (۱۳۷۶)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵.

ازاء انجام عملیاتی توسط واگذارشونده به وی واگذار شود. از این جهت است که موافقتنامه واگذاری ماهیت توأمان خدماتی و تملیکی پیدا می کند و یک قرارداد متمایز نسبت به سایر قراردادها محسوب می گردد.

لزوم اخذ رضایت کارفرمای اصلی (دولت میزبان) در کلیه کشورها یکی از اصلی ترین و مهم ترین پیش شرط هایی است که در خصوص موافقتنامه های واگذاری مقرر شده است؛ در غیر این صورت قرارداد منعقد می شود و واگذارکننده و واگذار شونده با ایراداتی مواجه شده و مسئولیت طرفین آن را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر حق استرداد منافع واگذار شده به واگذارشونده نیز موضوعی قابل توجه در موافقتنامه های واگذاری بوده که دولت های میزبان غالباً آن را برای حفظ منافع کشور خود لحاظ می نمایند تا در صورت ضرورت بتوانند از این طریق منافع واگذارشده را به خود منتقل کنند. علاوه بر این در پروژه هایی که موضوع آنها واگذاری بعد از عملیات اکتشاف تا قبل از مرحله توسعه است، دولت های میزبان به واگذاری مراحل حساس پروژه توسط پیمانکار اصلی (واگذارکننده) بسیار توجه دارند.

در نظام حقوقی ایران، از جهت قانونی، عرفی و قراردادی در ارتباط با موضوع واگذاری چالش هایی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. وجود شروط پیش نیاز و قواعد آمره قانونی و ممنوعیت هایی همچون عدم انتقال مالکیت ذخایر نفتی موجود در معادن و منع واگذاری اموری چون مدیریت پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن در قوانین نفت های ۱۳۵۳، ۱۳۶۶ و همچنین در تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۱۳۹۵ (IPC)، موانعی اساسی برای بهره مندی صنعت نفت و گاز ایران از ابزارهایی چون موافقتنامه واگذاری ایجاد نموده اند. از طرف دیگر، با توجه به نیاز مبرم تأمین مالی پروژه های نفتی و همچنین برخورداری از تکنولوژی های مربوط به این پروژه ها، سازوکارهایی نظیر موافقتنامه واگذاری می تواند توسعه پایدار این صنعت و به طور ویژه حوزه بالادستی را منجر گردد. با تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۱۳۹۱، و تصویبنامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۱۳۹۵ (IPC) و اصلاحیه آن در سال ۱۴۰۲، وضعیت قانونی و قراردادی در صنعت نفت با تغییراتی بنیادین مواجه شد و در شرایط حاضر و با تمسک به این دو سند و الگوهای قراردادی رایج ایران، موافقتنامه واگذاری به طور مقتضی می تواند با رعایت برخی ضوابط و چالش های ذکر شده مورد بهره برداری قرار گیرد.

در تصویبنامه مزبور همان طور که بیان گردید، احکامی وجود دارد که بر وضعیت موافقتنامه های واگذاری در صنعت نفت و گاز ایران موثر بوده و در برخی موارد به صورت مستقیم موضوع واگذاری را مورد حکم قرار داده است. براساس آن ها، جذب سرمایه گذاری خارجی در قالب موافقتنامه واگذاری با حصول دو شرط تجویز گردیده است: اولاً واگذاری باید به گونه ای باشد که منجر به انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخزن مورد نظر نشود و ثانیاً واگذاری باید توأم با رعایت موازین تولید صیانتی از مخازن باشد. مراد و مقصود تدوین کنندگان از درج شرط اول نفی انتقال مالکیت بخشی از نفت یا گاز موجود در مخزن به جهت تعارض با مفاد قانون اساسی و اصل حاکمیت ملی بر منابع طبیعی ایران است. شرط دوم تأکید بر این نکته دارد که رعایت موازین و استانداردهای تولید صیانتی از میادین هیدروکربوری از ضروریات موافقتنامه های واگذاری در حوزه اکتشاف و توسعه می باشد؛ بدین معنا که حتی در صورت فقدان نص قانونی، قرارداد مربوطه باید حاوی مفادی مبنی بر الزام به رعایت آنها باشد.

بر این اساس، به طور کلی می توان گفت که واگذاری در حوزه بالادستی صنعت نفت با ممنوعیتی مواجه نمی باشد، بلکه صرفاً در انعقاد این قرارداد باید محدودیت های مذکور مدنظر بوده و مفاد موافقتنامه واگذاری دربردارنده انتقال مالکیت ذخایر نفتی به واگذارشونده یا سهام شدن وی در ذخایر نفتی موجود در معادن نباشد.

منابع

الف) کتب

1. ابراهیمی، سیدنصرالله و قاسمی، سعیده، ۱۳۹۸، الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از توان تولیدی و خدماتی داخلی کشور در پروژه های بالادستی صنعت نفت و گاز، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
2. امانی، مسعود، ۱۳۹۳، حقوق قراردادهای بین المللی نفت، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
3. ایرانیپور، فرهاد، ۱۳۹۳، تحلیل حقوقی قراردادهای نفتی، چاپ اول، تهران، انتشارات رخ داد نو.
4. حداد، جواد و حسین زاده، حمید، ۱۳۹۵، قراردادهای همسان پیمانکاری، مشاوره، سرمایه گذاری (ملی، فراملی، بین المللی)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
5. شیروی، عبدالحسین، ۱۴۰۲، حقوق نفت و گاز، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.
6. کاتوزیان، امیر ناصر، ۱۳۹۵، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس هایی از عقود معین، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
7. کاتوزیان، امیر ناصر، ۱۳۹۴، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات میزان.

۸. موسوی، سید حسن، ۱۳۹۹، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، با تاکید بر الگوی قراردادی جدید IPC، انتشارات گنج دانش.

ب) مقالات

۹. ابراهیمی، سید نصراله و کهن نژاد، روح الله، ۱۳۹۵، چالش های قانونی استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید صنعت نفت و گاز، فصلنامه راهبرد، ۷۹، ۱۴.
۱۰. ابراهیمی، سید نصرالله و عینی، مجتبی (۱۳۹۷). اصل آزادی قراردادی و محدودیت های آن در قراردادهای بالادستی نفتی بر اساس مدل جامع تفسل (TEFCEL). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۱)، ۴۹-۱۱. [doi: 10.22034/law.2018.239491](https://doi.org/10.22034/law.2018.239491)
۱۱. احمد نژاد، منصور، زین العابدین، مصطفی، افشار، احسان، ۱۳۹۷، درآمدی بر قرارداد برون سپاری در صنعت نفت ایران، مجله علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، ۱۵۴، ۳۷.
۱۲. تقی پور، علیرضا، حاجیان، محمد مهدی، خزاینی، گرشاسب، کاشانی، جواد، تکلیف، عاطفه، ۱۴۰۲، قراردادهای بهره برداری، نگهداری و تعمیرات (O&M) در صنعت نفت و گاز ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴۵، ۸.
۱۳. خداوردی، روح الله و زهره بجنوردی، احسان، ۱۳۸۹، راهبرد برون سپاری؛ فواید، مشکلات و چالش ها، فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد، ۲۵، ۳.
۱۴. درخشان، مسعود، ۱۳۹۳، قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی اسلامی، ۲، ۹.
۱۵. شکوهی، محمدرضا، سلیمانی، مهسا، شیخ نژاد مقدم، رسول، کاتبی، آیه، ۱۳۹۵، مقایسه تطبیقی کارایی رژیم مالی قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای نوین نفتی ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۲۰، ۲۱.
۱۶. علیجانی، محسن و جنیدی، لعیا (۱۳۹۹). تخصیص ریسک در قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۸)، ۹۳-۱۱۸. [doi: 10.22034/law.2021.521769.1023](https://doi.org/10.22034/law.2021.521769.1023)
۱۷. مقدم، عیسی، ۱۳۸۶، انتقال قرارداد، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴، ۴-۲.
۱۸. موحد، محمد علی، ۱۳۷۶، قراردادهای نفتی پس از درنگی ۲۰ ساله، اقتصاد انرژی، ۳، ۷.
۱۹. نیک بخت، حمیدرضا و موسوی، سید حسن، ۱۳۹۴، اصول و ساختار الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۲، ۲۷.
۲۰. نیک بخت، حمیدرضا و موسوی، سید حسن، ۱۳۹۳، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (بررسی حقوقی اصلاحات اعمال شده در تصویبنامه هیأت وزیران)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۸۲، ۱۶.
۲۱. نیک بخت، حمیدرضا و آریین، محمد، ۱۳۹۳، طراحی الگوهای قراردادی جدید برای توسعه میادین هیدروکربوری ایران: بررسی و نقد قانون جدید وزارت نفت، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۱، ۲۹-۱.
۲۲. نیک بخت، حمیدرضا، باقری، محمود، قربانی، الهه، ۱۳۹۷، بررسی مقایسه ای چارچوب قراردادی بیع متقابل و قرارداد نفتی ایران (IPC) در خصوص حقوق مالکیتی، شناخت ذخایر و رژیم مالی، مطالعات حقوق انرژی، ۲، ۱۱.
۲۳. نیکبخت فینی، حمیدرضا، اسداله نژاد رنجبر، آرزو و مقصول قره باغ، محسن (۱۴۰۳). الگوی هیئت حل اختلاف فیدیک در قامت شیوه مناسب حل اختلاف در قراردادهای پیمانکاری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، (۲)، ۳۹۸-۴۳۸. [doi: 10.22034/jrpl.2025.2047346.1125](https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2047346.1125)

B. English

1. Ahmadnejad, Mansour, Zainal-Abedin, Mustafa, Afshar, Ehsan, 2018, An Introduction to Outsourcing Contracts in the Iranian Oil Industry, Scientific Journal of Oil and Gas Exploration and Production, 154, 37. (In persian)
2. alijani, M. and Joneydi, L. (2020). Risk Allocation in Contracts of Public Private Partnership. Journal of Research and Development in Comparative Law, 3(8), 93-118. [doi: 10.22034/law.2021.521769.1023](https://doi.org/10.22034/law.2021.521769.1023). (In persian)
3. Amani, Masoud, 2014, International Oil Contract Law, 2nd edition, Tehran, Imam Sadigh University Press. (In persian)
4. Brister, Austin, 2014, Farmout Agreement: the Basics, Negotiations and Motivation, Oil and Gas Law Digest, Farmout Definition Investopedia, 19.
5. Claude Duval, Honore Le Leuch, Andre Pertuzio, 2011, International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements, Legal and Economic Aspects.
6. J. Derrick, 2009, Farm-outs, in Geoffrey Picton-Turbervill (ed.), Oil and Gas: A Practical Handbook.
7. Derakhshan, Masoud, 2014, Oil contracts from the perspective of sustainable production and increased production: A resistance economy approach, Bi-Quarterly Scientific Research Journal of Islamic Economic Studies, 2, 9. (In persian)
8. Ebrahimi, S. N. and Eini, M. (2018). The Freedom of Contract Principle and Its Limitations in Upstream Oil Contracts Based on TEFCEL Model. Journal of Research and Development in Comparative Law, 1(1), 11-49. [doi: 10.22034/law.2018.239491](https://doi.org/10.22034/law.2018.239491). (In persian)
9. Ebrahimi, Seyed Nasrallah and Ghasemi, Saeideh, 2019, Legal-contractual requirements for maximum use of domestic production and service capacity in upstream oil and gas industry projects, first edition, Tehran, Tehran University Press. (In persian)
10. Ebrahimi, Seyed Nasrallah and Kohannejad, Ruhollah, 2016, Legal challenges of using partnership contracts in oil and gas industry production, Strategy Quarterly, 79, 14. (In persian)
11. Eduardo G. Pereira, Madeleine J. Lewis, 2017, Conditions Precedent in Farmout Agreements – An Overview, College of Law Qatar University, 3, 282.
12. Haddad, Javad and Hosseinzadeh, Hamid, 2016, Similar Contracts for Construction, Consulting, Investment (National, Transnational, International), First Edition, Tehran, Dadgostar Publishing. (In persian)
13. Hemingway, Richard W., 1985, the Farmout Agreement: A Story Short but Not Always Sweet. Natural Resources & Environment, 2, 52.
14. Idzik, Benjamin, 2022, the Trouble with Farmouts: The Problem of the Innocent, Nonperforming Farmee, Catholic University Law Review, 71, 830.
15. Katouzian, Amir Naser, 2015, Civil Law in the Current Legal System, 26th edition, Tehran, Mizan Publications. (In persian)
16. Katouzian, Amir Naser, 2016, Introductory Course in Civil Law, Lessons from Certain Contracts, 25th edition, Tehran, Ganj Danesh Publications. (In persian)
17. Kendor P., Jones, 2014, Something Old, Something New: The Evolving Farmout Agreement, Washburn Law Journal, 477-478.

18. Khodaverdi, Ruhollah and Zohreh Bojnourdi, Ehsan, 2010, Outsourcing Strategy; Benefits, Problems and Challenges, Specialized Quarterly Journal of Parks and Growth Centers, 25, 3. (In persian)
19. Iranpour, Farhad, 2014, Legal Analysis of Oil Contracts, First Edition, Tehran, Rokhdad Nou Publications. (In persian)
20. Lowe, John, 1999, Recent Significant Cases Affecting Farmout Agreements, 50th Oil and Gas Institute, Matthew Bender, 1999, SMU Dedman School of Law Legal Studies Research, 298.
21. Moghadam, Isa, 2007, Contract Transfer, Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences, 4, 4-2. (In persian)
22. Mousavi, Seyed Hassan, 2019, Legal analysis of the service contract model in the upstream sector of the Iranian oil and gas industry, with emphasis on the new IPC contract model, Ganj Danesh Publications. (In persian)
23. Movahed, Mohammad Ali, 1997, Oil contracts after a 20-year delay, Energy Economics, 3, 7. (In persian)
24. Nikbakht, Hamid Reza and Arian, Mohammad, 2014, Designing new contractual models for the development of Iran's hydrocarbon fields: A review and critique of the new law of the Ministry of Oil, Legal Research Quarterly, 71, 29-1. (In persian)
25. Nikbakht feyni, H. , Asadolahnejad ranjbar, A. and Maqsoul Gharehbagh, M. (2025). FIDIC Dispute Board Model as an Effective Mechanism for Resolving Disputes in Contracting Agreements. Research and Development in Public Law, 1(2), 398-438. [doi: 10.22034/jrpl.2025.2047346.1125](https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2047346.1125). (In persian)
26. Nikbakht, Hamid Reza, Bagheri, Mahmoud, Ghorbani, Elahe, 2018, Comparative study of the contractual framework of cross-selling and the Iranian Petroleum Contract (IPC) regarding property rights, recognition of reserves and financial regime, Energy Law Studies, 2, 11. (In persian)
27. Nikbakht, Hamid Reza and Mousavi, Seyed Hassan, 2015, Principles and Structure of the New Model of Iranian Oil Contracts, Quarterly Journal of Legal Research, 72, 27. (In persian)
28. Nikbakht, Hamid Reza and Mousavi, Seyed Hassan, 2014, General conditions, structure and model of upstream oil and gas contracts (legal review of the amendments made in the Cabinet Resolution), Quarterly Journal of Legal Research, 82, 16. (In persian)
29. Pereira G. E., Lewis J. M., 2017, Conditions Precedent in Farmout Agreements – An Overview, International Review of Law, 3, 6.
30. Sattariasmaroud, Hatef, Shiravi, Abdolhossein, 2024, Explanation and Analysis of Farm-Out Agreement and Feasibility of Exploiting it in Upstream Oil and Gas Contracts in Iran, Petroleum Business Review, 8, 45.
31. Shirvi, Abdolhossein, 1402, Oil and Gas Law, 6th edition, Tehran, Mizan Publications. (In persian)
32. Shokoohi, Mohammad Reza, Soleimani, Mahsa, Sheikh Nejad Moghaddam, Rasoul, Katabi, Ayeh, 2016, Comparative comparison of the efficiency of the financial regime of mutual sales contracts and modern Iranian oil contracts, Iranian Energy Economics Research Journal, 20, 21. (In persian)
33. Taghipour, Alireza, Hajian, Mohammad Mehdi, Khazaini, Garshasb, Kashani, Javad, Tklif, Atefeh, 2019, Operation, Maintenance and Repair (O&M) Contracts in the Iranian Oil and Gas Industry, Iranian Energy Economics Research Journal, 45, 8. (In persian)